

Al-milani.com

سلسله پژوهش‌های اعتقادی (۴۷)

باورهایی از معاد (۳)

۵. توبه و بازگشت

آیت الله سید علی حسینی میلانی

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶-
عنوان قراردادی: المواعظ الفاخره فی امور الاخره. فارسی
عنوان و نام پدیدآور: باورهایی از معاد ۳ / سید علی حسینی میلانی؛ [ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه انتشارات الحقایق].
مشخصات نشر: قم: انتشارات الحقایق، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۸۸ ص.
فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی؛ ۴۵، ۴۶، ۴۷.
شابک: ۳۰۰۰۰ ریال: ۹-۸۵-۳۴۸-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۲: ۳-۸۷-۳۴۸-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۳: ۰-۸۸-۳۴۸-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: ج. ۳ (چاپ اول: ۱۳۹۳) (فیبا).
موضوع: معاد
شناسه افزوده: انتشارات الحقایق
رده بندی کنگره: BP ۲۲۲ / ح ۵۴ م ۸۰۴۱ ۱۳۹۳
رده بندی دیویی: ۴۴ / ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۱۱۳۴۵

نام کتاب: باورهایی از معاد ۳
تألیف: آیت الله سید علی حسینی میلانی
ترجمه و ویرایش: هیئت تحریریه انتشارات الحقایق
ناشر: الحقایق
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۳
چاپ: ستاره
تعداد صفحه: ۸۸ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال
شابک: ۰-۸۸-۳۴۸-۶۰۰-۹۷۸

۰-۸۸-۳۴۸-۶۰۰-۹۷۸

حقوق چاپ محفوظ است

مراکز پخش:

- قم: تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۳۷۳۲۰ و ۰۲۵-۷۸۴۲۶۸۲
- تهران: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، تلفن: ۰۲۱-۷۷۵۲۱۸۳۶ (۴ خط)
- تهران: خیابان پاسداران، خیابان شهید گلینی، نبش خیابان ناطق نوری، ساختمان زمرد، طبقه دوم، پلاک ۴۳، نشر آفاق، تلفن: ۰۲۱-۲۲۸۴۷۰۳۵
- مشهد: چهارراه شهید، پشت باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، پاساژ گنجینه کتاب، انتشارات نور کتاب (میلانی)، تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۴۲۲۶۲-۰۹۱۵۱۱۹۹۴۸۶
- اصفهان: چهارباغ پایین، رو به روی ورزشگاه تختی، مرکز تخصصی حوزه علمیه اصفهان، تلفن: ۰۳۱-۳۲۲۴۰۶۰۸
- کاشان: فاز دو ناجی آباد، انتهای خیابان پاسگاه، خیابان مهستان، کتابسرای فیروز، تلفن: ۰۳۶۱-۵۴۳۲۸۸۳

سرآغاز ۷...

بخش پنجم

توبه و بازگشت ۱۳...

توبه از دیدگاه لغت ۱۵...

توبه در اصطلاح شرعی ۱۸...

وجوب توبه ۲۰...

دیدگاه قرآن ۲۱...

دیدگاه روایات ۲۳...

اجماع و اتفاق نظر ۲۵...

۱. علامه حلی رحمه الله ۲۶...

۲. شیخ طبرسی رحمه الله ۲۶...

۳. فاضل مقداد رحمه الله ۲۶...

۴. شیخ نراقی رحمه الله ۲۷...

۵. فیض کاشانی رحمه الله ۲۷...

۶. علامه مجلسی رحمه الله ۲۸...

دیدگاه عقل ۲۸...

فضیلت توبه در شریعت اسلام ۳۰...

وجوب فوری توبه ۳۶...

پذیرش توبه ۴۲...

آیات قرآن ۴۲...

روایات ۴۶...

آیا قبول توبه و اسقاط عذاب بر خدا واجب است؟ ۵۲...

انواع توبه ۵۵...

تقسیم گناهان ۵۹...

گناه بزرگ کدام گناه است؟ ۶۰...

آیا توبه فقط از گناهان بزرگ، واجب است؟ ۶۲...

- پافشاری بر گناه كوچك ... ۶۳
- چگونگی تبدیل شدن گناه كوچك به گناه بزرگ ... ۶۴
۱. اصرار و پیوستگی تکرار آن ... ۶۵
 ۲. ناچیز و كوچك شمردن گناه ... ۶۵
 ۳. غرور در برابر بردباری خدا ... ۶۶
 ۴. سرور و خوشحالی در انجام گناه كوچك ... ۶۶
 ۵. آشکار کردن گناه ... ۶۶
 ۶. آگاهی و گناه كوچك ... ۶۶
- توبه نصوح چیست؟ ... ۶۷
- فواید توبه ... ۶۹
- وجوب توبه و فراگیری آن ... ۷۲
- وجوب عمل پس از توبه ... ۷۵
- توبه و چند پرسش ... ۷۶
- کتاب نامه ... ۷۹

سرآغاز

... آخرین و کامل ترین دین الاهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الاهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت. دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت. ادامه این راه الاهی در هجدهم ذی الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الاهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه وآله، — با توطئه هایی از پیش مهیا شده — مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس های شیطانی، حقایق اسلام را — که همچون آفتاب جهان تاب بود — پشت ابرهای سیاه شك و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه ها، حقایق اسلام و سخنان دُررَبَّار پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی ها، شبهه ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف الدین، امینی و... همچون ستارگانی پرفروز

می درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین واقعات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ‌گویی شبهات پرداخته‌اند... .

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر و الامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظم له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیة الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين.

عالمان مسلمان درباره امور جهان آخرت، کتاب های فراوانی نگاشته اند. این جانب نیز پیش از این کتاب «الاعتقاد بالمعاد» را به رشته تحریر در آوردم. نگارش این اثر در سال ۱۳۹۱ هجری قمری به پایان رسید. در بخش «خاتمه» آن اثر، سه بحث «میزان»، «گشوده شدن نامه اعمال» و «سخن گفتن اعضای بدن در جهان آخرت» را آوردم و پس از آن نیز به مناسبت، بحث های شفاعت و توبه را به آن افزودم.

این پنج موضوع در پرتو آیات قرآن کریم و روایات پیامبر صلی الله علیه وآله و امامان معصوم علیهم السلام به رشته تحریر درآمد. هرچند کوشیدیم در تدوین این خاتمه، از مباحث تفسیری، حدیثی و کلامی بهره بگیریم، اما کمتر وارد جزئیات مسائل کلامی اختلافی شدیم.

با توجه به نیاز تشنگان معارف دینی و لزوم آگاهی بیشتر خوانندگان گرامی از مباحث مربوط به جهان آخرت، بر آن شدیم تا این مباحث پنج گانه را به طور جداگانه و در قالب کتابی به عنوان «المواعظ الفاخرة فی امور الآخرة»^۱ به جامعه اسلامی عرضه نماییم.

باور داریم آگاهی هر انسان مؤمن از این مسائل و اعتقاد به آن ها گذشته از این که يك وظیفه و ضرورت است، از جنبه تربیتی نیز اثری بسیار فراوان به همراه دارد؛ چراکه باور داشتن به مجموعه این مسائل، موجب می شود انسان مؤمن در حالت میان «خوف و رجاء؛ بیم و امید» قرار گیرد.

بی تردید ایجاد چنین حالتی در میان پیروان شریعت، یکی از اولویت های اصلی شریعت مقدس اسلام است.

اسلام کوشیده از راه آموزه های بسیار ارزشمند خود این حالت را در میان مؤمنان و معتقدان به شریعت، ایجاد کند. به همین دلیل است که کتاب های اخلاقی فراوان و بحث های علمی زیادی در این راستا نگاشته شده اند.

از خداوند سبحان خواهانیم عنایت فرماید که مؤمنان از این اثر بهره مند گردند.

۱۴۳۱ هجری قمری

سید علی حسینی میلانی

۱. گفتنی است که عنوان فارسی این اثر «باورهایی از جهان آخرت» انتخاب شده است که جلد یکم و دوم آن، چهار بحث نخستین را دربرگرفته و جلد حاضر آن به توبه و بازگشت اختصاص دارد.

بخش پنجم
توبه و بازگشت

توبه از دیدگاه لغت

معنای واژه توبه، بازگشت و انابه است.^۲ در زبان عربی می گویند:

تاب إلى الله؛ يتوب توباً و توبَةً و متاباً.^۳

به سوی خدا بازگشت...

واژه توبه زمانی استفاده می شود که فردی از گناه خویش دست بکشد و از معصیت به سوی طاعت و بندگی روی آورد.

واژه توبه از «تاب» گرفته شده؛ یعنی انابه کرد و از گناه دست کشید.^۴

اصل توبه؛ یعنی بازگشت از آن چه در گذشته انجام داده و پشیمانی از کردارهای ناشایست گذشته.^۵

فیومی در المصباح المنیر می نویسد:

تاب من ذنبه، توباً و توبَةً و متاباً.^۶

از گناه خویش توبه کرد؛ یعنی گناه را از خود کند.

گفته شده: توبه همان «التَّوب» است که حرف «هاء» در پایان آن برای مؤنث شدن مصدر است.

هم چنین برخی گفته اند: توبه به معنای یکبار بازگشت است. مانند «الضربة» که به معنای یک

بار زدن است. کسی که توبه می کند، تائب است...^۷

راغب اصفهانی نیز در بیان معنای توبه می نویسد:

۲. لسان العرب: ۳۱۹، المصباح المنیر: ۲ / ۶۲۹ ماده «نوب».

۳. لسان العرب: ۱ / ۲۳۳.

۴. تاج العروس: ۱ / ۱۶۱.

۵. تفسیر التبیان: ۱ / ۱۶۹، مجمع البیان: ۱ / ۱۷۴ و ۱۷۵.

۶. در مجمع البحرین: ۱ / ۳۰۰، نیز همین مطلب آمده است.

۷. ر.ک: همان.

التَّوْب: ترك الذنب على أجهل الوجوه وهو أبلغ وجوه الاعتذار، وهو أن يقول المعتذر: فعلت وأسأت وقد أقلعت. وهذا هو التوبة؛^٨

توبه به معنای ترك گناه به بهترین وجه، و رساترین نوع از وجوه اعتذار است که عذرخواه می گوید: گناه کردم، بد کردم و گناه را از خودم کندم و دیگر تکرار نمی کنم. این همان معنای توبه است.

البته در کتاب القاموس المحيط و نیز تاج العروس بیان شده که فعل «تاب» دو مصدر دیگر نیز دارد که عبارتند از: «تابة» بر وزن «غابة» و نیز «تتوبة».

مصدر «تابة» در این شعر عرب به کار رفته است:

تبت إليك فتقبل تابتي *** وصمت ربّي فتقبل صامتي

به سوی تو بازگشته ام، پس توبه ام را بپذیر. پروردگارا! روزه گرفته ام، روزه ام را بپذیر.

در مورد مصدر «تتوبة» نیز باید بگوییم: این مصدر از کتاب سیبویه برگرفته شده است. اما مصدری شاذ و نادر است.^٩

البته این منظور در لسان العرب، پس از ذکر سه مصدر یاد شده، می نویسد:

این که در شعر از «تابتی» استفاده شده، منظور همان واژه «توتبتی» بوده است. اما حرف «واو» را برای نوعی خفیف کردن، به حرف «الف» تبدیل کرده است. زیرا این شعر، تأسیسی نیست. مگر نه این است که در این بیت شعر می خوانیم:

أدعوك يا رب! من النار التي *** أعددت للكفار في القيامة

پروردگارا! تو را می خوانم و به تو پناه می برم از آتشی که در روز قیامت برای کفار قرار داده ای.

در این بیت «التي» به کار رفته است، حال آن که در آن «حرف الف» تأسیسی وجود ندارد.^{١٠}

توبه در اصطلاح شرعی

پس از روشن شدن معنای واژه «توبه»، اکنون به بیان معنای اصطلاحی توبه از نظر شرعی می پردازیم:

علمای مسلمان در معنای اصطلاحی توبه، دیدگاه های مختلفی دارند.

٨ . المفردات في غريب القرآن: ٧٦.

٩ . تاج العروس: ١ / ١٦٦.

١٠ . لسان العرب: ١ / ٢٣٣.

برخی گفته اند: توبه؛ یعنی پشیمانی از گناه، به این دلیل که گناه است.
برای مثال: اگر کسی از نوشیدن شراب پشیمان شود، اما نه از این جهت که گناه انجام داده، بلکه
از این جهت که شراب برای بدن زیان دارد، این توبه نیست.^{۱۱}
بعضی این قید را نیز افزوده اند: «...با داشتن عزم و اراده بر این که هرگز این عمل را تکرار
نکند.»

به ظاهر، این عزم و اراده، لازمه همان پشیمانی است و قید جدیدی نیست و در پشیمانی، عزم بر
تکرار نکردن آن عمل، نهفته است.^{۱۲}
هم چنین از نگاه برخی دیگر، توبه؛ یعنی پشیمانی از انجام معصیت به دلیل این که معصیت است
و همراه آن عزم بر تکرار نکردن آن عمل در آینده؛ زیرا نداشتن همین عزم و اراده، بیان گر نبود
پشیمانی است.^{۱۳}

برخی دیگر در معنای توبه گفته اند:
توبه؛ یعنی پشیمانی از اعمال زشت در گذشته و ترك آن عمل در زمان حال و نیز عزم بر انجام
ندادن دوباره آن در آینده.^{۱۴}

در نگاه برخی دیگر از عالمان، توبه با چهار شرط محقق می شود:

۱. ترك گناه به دلیل زشتی و فُجَح آن گناه؛
۲. پشیمانی از کرده خویش؛
۳. عزم و اراده بر انجام ندادن دوباره آن؛
۴. جبران کردن آن مقدار از اعمال که امکان جبران آن ها وجود دارد.

اگر این چهار شرط با يك دیگر ایجاد شد، شرایط توبه محقق شده است.^{۱۵}
برخی دیگر گفته اند: توبه؛ یعنی پشیمانی از اعمال زشت گذشته و تصمیم فرد بر این که دوباره
مانند این زشتی را انجام ندهد.^{۱۶}
هم چنین گفته اند: توبه؛ یعنی ترك معصیت در زمان حال و تصمیم بر ترك آن در آینده و جبران
اشتباهات و کوتاهی های گذشته.^{۱۷}

۱۱. ریاض السَّالکین: ۴۰۴، مجمع البحرین: ۱ / ۳۰۰.

۱۲. جواهر الکلام: ۴۱ / ۱۱۴.

۱۳. کشف المراد: ۴۴۴، بحار الانوار ۶ / ۴۳.

۱۴. النَّافِع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر: ۱۲۷، جواهر الفقه: ۲۵۱.

۱۵. المفردات فی غریب القرآن: ۷۶.

۱۶. تفسیر مجمع البیان: ۱ / ۱۷۶.

آن چه گذشت برخی از دیدگاه ها و تعریف های علما درباره معنای اصطلاحی توبه بود. در جمع بندی این عبارات می توان گفت:

گروهی توبه را پشیمانی از انجام معصیت به دلیل معصیت بودنش دانسته اند.
گروهی دیگر قید «تصمیم بر انجام ندادن دوباره آن عمل» را به تعریف توبه افزوده اند.
برخی نیز قید «وجوب جبران کوتاهی های گذشته» — در صورت امکان — را به آن افزوده اند.

وجوب توبه

بنابر چهار دلیل قرآن کریم، روایات، عقل و اجماع، توبه امری واجب است.

دیدگاه قرآن

خداوند سبحان، در قرآن کریم به بندگان خود فرمان می دهد که از گناهان خویش توبه کنند و به سوی طاعت الهی بازگردند.

اینک برای نمونه برخی آیات قرآن را که از وجوب توبه و فرمان خداوند به توبه خبر می دهند می آوریم. خداوند متعال در سوره نور می فرماید:

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^{۱۸};

و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان! شاید رستگار شوید.

در آیه دیگری می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمُ سَيِّئَاتِكُمْ﴾^{۱۹};

ای کسانی که ایمان آورده اید! به سوی خدا توبه کنید، توبه ای خالص؛ امید است (با این کار) پروردگارتان گناهان شما را ببخشد.

البته ما معنای توبه نصوح را در ادامه خواهیم آورد.

در آیه دیگری می خوانیم:

﴿وَأَنبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ﴾^{۲۰};

و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آن که عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید.

در آیه دیگری آمده است:

۱۷ . جامع السعادات: ۳ / ۳۸ .

۱۸ . سوره نور: آیه ۳۱ .

۱۹ . سوره تحریم: آیه ۸ .

۲۰ . سوره زمر: آیه ۵۴ .

وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ؛^{۲۱}
و این که از پروردگار خویش آمرزش بطلبید؛ سپس به سوی او بازگردید تا شما را تا مدت معینی به خوبی بهره مند سازد؛ و به هر صاحب فضیلتی، به مقدار فضیلتش ببخشد.

خدای سبحان در آیه دیگر به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرماید:
قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ؛^{۲۲}
به کفر و رزان بگو: «اگر از مخالفت باز ایستند، (و ایمان آورند)، گذشته آن ها بخشوده خواهد شد؛ و اگر به اعمال گذشته بازگردند، سنت خدا در گذشتگان، درباره آن ها جاری می شود.

دیدگاه روایات

روایات فراوانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و اهل بیت پاک ایشان علیهم السلام رسیده که همگی بر وجوب توبه دلالت دارند. اینک برخی از این روایات را برای نمونه می آوریم.
در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَقْبَلُ تَوْبَةَ عَبْدِهِ مَا لَمْ يَغْرُرْ. تَوَبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا، وَبَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ الزَّكَايَةِ قَبْلَ أَنْ تَشْتَغَلُوا، وَصَلُوا الَّذِي بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ بِكَثْرَةِ ذِكْرِكُمْ إِيَّاهُ؛^{۲۳}
به راستی خداوند تا واپسین لحظه های عمر بنده، توبه او را می پذیرد. پیش از این که بمیرید، به سوی پروردگارتان بازگردید و توبه کنید، پیش از آن که گرفتار شوید، به کردار نیکو مبارزت ورزید، و با ذکر فراوان خدا، با او پیوند برقرار کنید.
امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام می فرماید:

تَوَبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَادْخُلُوا فِي مَحَبَّتِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ، وَالْمُؤْمِنُ تَوَّابٌ؛^{۲۴}
به سوی خداوند عزّ و جلّ باز گردید و توبه کنید و مشمول محبت او قرار گیرید. زیرا خداوند بسیار توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست می دارد و مؤمن کسی است که زیاد توبه کند.

۲۱ . سوره هود: آیه ۳.

۲۲ . سوره انفال: آیه ۳۸.

۲۳ . بحار الانوار: ۶ / ۱۹، حدیث ۵، و ۷۸ / ۲۴۰، حدیث ۳، به نقل از الدعوات راوندی، مستدرک الوسائل: ۲ / ۱۳۳،

حدیث ۱۶۲۱ در این منبع به جای «توبوا إلى ربكم» آمده است: «توبوا إلى بارئكم».

۲۴ . الخصال: ۶۲۳، حدیث ۴۰۰، بحار الانوار ۶ / ۲۱، حدیث ۱۴، تفسیر نور الثقلین: ۱ / ۲۱۶، حدیث ۸۲۱، کنز الدقائق:

هم چنین حضرتش در سخن دیگری می فرماید:

تعطروا بالاستغفار لا تفضحنكم روائح الذنوب؛^{۲۵}

با استغفار خود را معطر کنید. زنهار! بوی بد گناهان شما را رسوا نکند.

آن حضرت در سخن گهربار دیگری می فرماید:

باب التَّوْبَةِ مَفْتُوحٌ لِمَنْ أَرَادَهَا. فَتَوَبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحاً عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ...^{۲۶}

باب توبه برای خواهانش، باز است. پس به سوی خدا توبه ای راستین داشته باشید. باشد

که خداوند گناهان شما را ببخشد... .

در فرمایش دیگر از حضرت علی علیه السلام چنین می خوانیم که حضرتش می فرماید:

... لا خير في الدنيا إلا لرجلين:

رجل أذنب ذنباً فهو يتداركها بالتَّوْبَةِ،

ورجل يسارع في الخيرات؛^{۲۷}

... در دنیا فقط برای دو فرد، خیر و برکت است:

کسی که گناهانی انجام دهد، اما با توبه آن را جبران نماید.

دیگری فردی که در نیکی ها شتاب کند.

اجماع و اتفاق نظر

حدیث شناسان، متکلمان و علمای اخلاق همگی بر وجوب توبه از گناهان، تأکید و تصریح

نموده اند. آنان در عبارات خود به روشنی بیان کرده اند که این امر از موارد اجماعی همه مسلمانان

است. در این جا به نقل برخی عبارات علمای مسلمان می پردازیم:

۱. علامه حلی رحمه الله

علامه حلی رحمه الله می نویسد:

توبه به اجماع و اتفاق نظر همه واجب است.^{۲۸}

ایشان هم چنین در این رابطه می نویسد:

باید به هر آن چه از سوی پیامبر صلی الله علیه وآله به ما رسیده، اقرار نماییم. از جمله این ها...

پاداش و عذاب... و وجوب توبه است.^{۲۹}

۲۵ . الأملی، شیخ طوسی: ۳۷۲، حدیث ۸۰۹، بحار الانوار: ۶ / ۲۲، حدیث ۱۸، وسائل الشیعة: ۱۶ / ۷۰، حدیث ۱۷،

شرح نهج البلاغه: ۲۰ / ۲۸۱، حدیث ۲۲۵.

۲۶ . الخصال: ۶۲۴، بحار الانوار ۱۰ / ۱۰۲، و ۷۰ / ۳۵۰، حدیث ۴۷.

۲۷ . روضة الواعظین: ۴۷۸ - ۴۷۹ با اندکی تفاوت، بحار الانوار: ۶ / ۳۸، حدیث ۶۲، شرح نهج البلاغه: ۱۸ / ۲۵۰.

۲۸ . کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد: ۵۶۶، مسأله یازدهم.

۲. شیخ طبرسی رحمه الله

شیخ طبرسی رحمه الله درباره توبه می نویسد:

توبه از هر معصیت الهی واجب است.^{۳۰}

۳. فاضل مقداد رحمه الله

فاضل مقداد رحمه الله در باره توبه می نویسد:

به دلیل اجماع و اتفاق بر وجوب پشیمان بودن از انجام هر گناه و یا انجام ندادن عمل واجب، توبه واجب است.^{۳۱}

۴. شیخ نراقی رحمه الله

شیخ نراقی نگارنده کتاب جامع السعادات می نویسد:

توبه از همه گناهان واجب است. دلیل آن نیز اجماع، روایات و عقل است. در این که اجماع در این مسأله وجود دارد، هیچ تردیدی نیست...^{۳۲}

۵. فیض کاشانی رحمه الله

ملا محسن فیض کاشانی رحمه الله در این باره می گوید:

بدان که وجوب توبه، از روایات و آیات قرآنی استفاده شده است. این حکم برای کسی که نور بصیرت دارد و خدا توسط نور ایمان، به او شرح صدر داده، بسیار روشن و پرواضح است. ابوحامد می گوید: اجماع امت بر وجوب توبه، منعقد شده است؛ زیرا می دانیم گناهان و معصیت ها، موجب هلاکت بوده و انسان را از خداوند دور می کنند. این علم و آگاهی بخشی از ایمان است...^{۳۳}

۶. علامه مجلسی رحمه الله

علامه مجلسی رحمه الله در این باره می نویسد:

۲۹. النافع يوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر: ۱۲۷، فصل هفتم.

۳۰. تفسیر مجمع البیان: ۱ / ۱۷۶.

۳۱. النافع يوم الحشر فی الباب الحادی عشر: ۱۲۷.

۳۲. جامع السعادات: ۳ / ۴۳.

۳۳. المحجة البيضاء: ۷ / ۶ و ۹.

در وجوب اجمالی توبه، هیچ اختلافی وجود ندارد.^{۳۴}

دیدگاه عقل

دلیل عقلی بر وجوب توبه چنین است که عقل حکم می کند که انسان توبه نماید، زیرا توبه برای دفع ضرر و زیانی است که بر اعمال ناشایست و گناهان انسان و نیز بر انجام ندادن واجبات مترتب باشد.

از سوی دیگر، عقل انسان حکم می کند که دفع ضرر — گرچه ضرر احتمالی — واجب است. پس توبه به حکم عقل نیز واجب است.

شیخ نراقی رحمه الله نیز در استدلال به عقل می نویسد:

کسی که معنای وجوب و معنای توبه را بداند، تردید نمی کند که توبه واجب است. توضیح این که معنا و حقیقت واجب عبارت است از هر آن چه که دستیابی به سعادت ابدی و نجات از هلاکت جاودانه مبتنی بر آن باشد. اگر سعادت و شقاوت به انجام یا ترك كاری تعلق پیدا نمی کرد، وجوب انجام یا وجوب ترك آن کار بی معنا می بود.

بنابراین، واجب عبارت است از وسیله و ابزار دستیابی به سعادت ابدی. بی تردید سعادت در جهان جاودان، تنها انس با خدا و لقاء الله است. پس هرکس از لقا و وصال محروم و از مشاهده جلال و جمال بی بهره است، بی تردید شقی و نگون بخت است و به آتش فراق و آتش دوزخ می سوزد.

از سوی دیگر، تنها چیزی که انسان را از لقاء الله دور می سازد، پیروی از شهوت های نفسانی، خشم، انس گرفتن با این جهان فناپذیر و سرانجام غرق شدن در عشق — کورکورانه — به آن چیزی است که به ناچار باید از آن دل کند؛ که از این ها به گناه تعبیر می شود.

از سوی دیگر، تنها راه تقرب به خدا و رسیدن به لقاء الله قطع کردن رابطه دل با زر و زیور دنیاست. راه لقاء الله روی آوردن به خداوند برای انس گرفتن با اوست که از راه دوام در ذکر به دست می آید. راه لقاء الله اندیشیدن همیشگی و پیوسته در عظمت، جلال و جمال خداوند — البته به اندازه توان — است که محبت خداوند را به همراه دارد.

تردید نیست که روی گرداندن از راه دورکننده انسان از لقاء الله که مساوی با شقاوت است، واجب می باشد تا انسان به لقاء الله برسد که این سعادت است.

این امر نیز فقط با توبه صورت می‌گیرد. توبه عبارت است از علم و آگاهی از اشتباه و گناه، پشیمانی از انجام و ارتکاب گناه، تصمیم بر انجام ندادن دوباره آن. هر آن چه که تحقق واجب جز به وسیله آن ممکن نباشد، خودش نیز واجب است. پس به طور قطع، توبه واجب است.^{۳۵}

عالم جلیل‌القدر سید نعمت‌الله جزائری رحمه‌الله در این باره چنین می‌نویسد:
وجوب توبه به واسطه روایات و آیات، امری اجماعی است. اختلاف در وجوب عقلی توبه است. معتزلی‌ها این را ثابت کرده‌اند که حق نیز همین است. زیرا دفع ضرر از نظر عقلی واجب است. هم چنین پشیمانی از انجام کار زشت از لوازم و پیامدهای عقل سالم است.
بنابراین، پشیمانی و توبه از گناه نیز به عنوان یکی از لوازم داشتن عقل سالم و برای دفع ضرر واجب است.^{۳۶}

فضیلت توبه در شریعت اسلام

شریعت اسلام — قرآن و سنت — به توبه اهتمام فراوانی داده است. در شریعت اسلام، مردم به توبه کردن ترغیب و تشویق شده‌اند، به طوری که توبه به شکل قابل توجهی مورد مدح قرار گرفته است. اکنون برخی از آیات و روایات مربوط به فضیلت توبه را می‌آوریم:

قرآن کریم می‌فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ)^{۳۷};

به راستی خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد، و پاکیزگان را دوست دارد.

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

التَّائِبُ حَبِيبُ اللَّهِ، وَالتَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ;^{۳۸}

توبه‌کننده، حبیب خداست. کسی که از گناه توبه می‌کند، هم چون کسی است که گناه نکرده است.

۳۵ . جامع السعادات: ۳ / ۴۳ و ۴۴ .

۳۶ . الأنوار النعمانية: ۳ / ۱۴۵، در بحارالانوار: ۶ / ۴۸ نیز مطالبی به همین مضمون آمده است.

۳۷ . سوره بقره: آیه ۲۲۲ .

۳۸ . جامع السعادات: ۲ / ۵۱، البته مانند این عبارت در کتاب‌های روایی شیعه یافت نشد، بلکه در برخی کتاب‌های اهل سنت

مانند فیض‌القدیر: ۳ / ۳۶۴ این گونه آمده است:

التائب من الذنب كمن لا ذنب له، لأن التائب حبيب الله;

کسی که از گناه توبه می‌کند، هم چون کسی است که گناه نکرده است. زیرا توبه‌کننده حبیب خداست.

به نظر می‌رسد تعلیل یاد شده «لأن التائب» از سوی مؤلف کتاب بوده است.

هم چنین امام باقر علیه السلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَشَدَّ فَرَحًا بِتُوبَةِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ أَضَلَّ رَاحِلَتَهُ وَزَادَهُ فِي لَيْلَةِ ظُلْمَاءٍ، فَوَجَدَهَا، فَاللَّهُ تَعَالَى أَشَدَّ فَرَحًا

بِتُوبَةِ عَبْدِهِ مِنْ ذَلِكَ الرَّجُلِ بِرَاحِلَتِهِ حِينَ وَجَدَهَا؛^{۳۹}

به راستی خداوند تعالی به واسطه توبه بنده اش بیش از فردی خوشحال می شود که مرکب و زاد و توشه خود را گم می کند و در شبی تیره و تاریک آن را می یابد. بنابراین، خداوند به واسطه توبه بنده اش بیش از خوشحالی این مرد به هنگام یافتن مرکب و زاد و توشه خود، خرسند می شود.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَفْرَحُ بِتُوبَةِ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَابَ، كَمَا يَفْرَحُ أَحَدُكُمْ بِضَالَّتِهِ إِذَا وَجَدَهَا؛^{۴۰}

به راستی خداوند با توبه بنده مؤمن خویش خوشحال می شود، هم چون خوشحالی وقتی که یکی از شما، گمشده خویش را بیابد.

هم چنین حضرتش می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ مَنْ عَابَدَهُ الْمُفْتَنَ النَّوَابِ؛

همانا خدا از میان بندگان، آنانی را که دچار فتنه و آزمایش گناه می شوند و بسیار

توبه کننده هستند، دوست دارد.^{۴۱}

فیض کاشانی رحمه الله در بیان معنای این حدیث می گوید:

یعنی کسی که گناهش زیاد است و فراوان توبه می کند. گناه می کند و از آن گناه، توبه می کند،

سپس به واسطه گناه آزموده می شود و بخشیده می شود؛ سپس توبه می کند و

واژه «مفتن» در این روایت، از «الفتان» و «التفتين» گرفته شده و به معنای افتادن در فتنه است.

حضرتش در سخن دیگری می فرماید:

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا تَابَ إِلَى اللَّهِ قَبْلَ الْمَوْتِ...؛^{۴۲}

خداوند رحمت کند، بنده ای را که پیش از مرگ به سوی خدا توبه کند... .

از دیگر سخنان گهربار آن حضرت این است که می فرماید:

إِنَّ الرَّجُلَ لِيُذْنِبَ الذَّنْبَ فَيَدْخُلَهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ؛

۳۹ . الکافی: ۴۳۵/۲، حدیث ۸، وسائل الشیعة: ۷۳/۱۶، حدیث ۶، بحار الانوار: ۴۰/۶، حدیث ۷۳.

۴۰ . الکافی: ۴۳۶/۲، وسائل الشیعة: ۷۳/۱۶ و ۷۴ حدیث ۷.

۴۱ . همان: ۴۳۲/۲، حدیث ۴، همان: ۷۲/۱۶، حدیث ۳، بحار الانوار: ۴۰/۶، حدیث ۷۴.

۴۲ . تفسیر عیاشی: ۱/۳۶۱، حدیث ۲۷، بحار الانوار: ۳۳/۶، حدیث ۴۵.

همانا بنده گناه می کند و به واسطه آن به بهشت می رود.
راوی می گوید: به آن حضرت گفتم: خداوند متعال او را به واسطه گناه به بهشت می برد؟
حضرت پاسخ داد:

نعم، إنه لينب، فلا يزال منه خانفاً ماقتاً لنفسه، فيرحمه الله تعالى فيدخله الجنة؛^{٤٣}
بله، او گناه می کند، ولی هم چنان از گناه خود بیمناک است و از خویشتن ناراضی،
خدای متعال نیز به او نگاه رحمت آمیز می کند و به بهشت وارد می نماید.
آن بزرگوار هم چنین می فرماید:

إنَّ الله يحبَّ العبدَ المفتنَ التَّوَّابَ ومن لم يكن ذلك منه كان أفضل؛^{٤٤}
به راستی خداوند بنده ای را که زیاد گناه می کند و بعد از هر بار گناه، توبه می نماید
دوست دارد. ولی کسی که اصلاً گناه نکند با فضیلت تر است.
امام کاظم علیه السلام می فرماید:

أحبَّ العبادَ إلى الله تعالى المنيبون التَّوَّابون؛^{٤٥}
دوست داشتنی ترین بندگان نزد خدای متعال، بازگشت کنندگان توبه کاران هستند.
امام رضا علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:
... وليس شيء أحبَّ إلى الله من مؤمن تائب، أو مؤمنة تائبة؛^{٤٦}
... هیچ کسی نزد خداوند از مرد مؤمن توبه کننده یا بانوی مؤمن توبه کننده، دوست
داشتنی تر نیست.

خدای متعال می فرماید:
يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا؛^{٤٧}
ای کسانی که ایمان آورده اید! به سوی خدا توبه کنید؛ توبه ای خالص.
امام کاظم علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید:

يتوب العبد، ثم لا يرجع فيه، وإن أحبَّ عباد الله إلى الله المتقي التائب؛^{٤٨}

٤٣ . الكافي: ٢ / ٤٢٦، حديث ٣، وسائل الشيعة: ١٦ / ٦١، حديث ٢.
٤٤ . همان: ٢ / ٤٣٥، حديث ٩، همان: ١٦ / ٨٠، حديث ٢.
٤٥ . جامع السعادات: ٥٢، الكافي ٢/٤٣٢، حديث ٣، وسائل الشيعة: ٧٣/١٦، حديث ٤، بحار الأنوار: ٦ / ٣٩، حديث ٦٨. در
این منابع به جای: «المنيبون» آمده: «المفتنون».
٤٦ . عيون أخبار الرضا عليه السلام: ١ / ٣٣، حديث ٣٣، بحار الأنوار ٦ / ٢١، حديث ١٥.
٤٧ . سوره تحریم، آیه ٨.
٤٨ . تفسیر القمّي: ٢ / ٣٧٧، بحار الأنوار: ٦ / ٢٠، حديث ٨.

منظور از توبه نصوص این است که بنده توبه می کند و دیگر گناه را تکرار نمی کند، همانا دوست داشتنی ترین بندگان نزد خدا، افراد پرهیزکار و توبه کننده هستند.

وجوب فوری توبه

انسان گناهکار باید از گناه خود توبه کند و این امر يك واجب فوری است که به تأخیر انداختن آن جایز نیست. هم چنان که گروهی از علما نیز تصریح کرده اند، در فوری بودن وجوب توبه، هیچ اختلافی نیست.

البته روایات نقل شده از معصومین علیهم السلام نیز بر همین امر تأکید دارند. هم چنان که حکم عقل نیز همین است؛ زیرا عقل حکم می کند که دفع زیان — هرچند زیان غیر قطعی — واجب فوری است.

در روایتی آمده است:

روزی مردی از امیرمؤمنان علی علیه السلام درخواست اندرز کرد. حضرت فرمود:

لا تکن ممن یرجو الآخرة بغير العمل، ویرجى التوبة بطول الأمل؛^{۴۹}

از کسانی مباش که بدون عمل صالح به جهان آخرت امیدوار است و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می اندازد.
حضرت در سخن گهربار دیگری می فرماید:

فاتقوا تقیة من سمع فخشع، واقترف فاعترف، ووجل فعمل، وحاذر فبادر، وأیقن فأحسن، وعبر فاعتبر، فحذر، وزجر فازدر، وأجاب فأناب، ورجع فتاب، واقندی فاحتدی، وأری فرأى، فأسرع طالباً، ونجا هارباً، فأفاد ذخیره، وأطاب سریره، وعمر معاداً، واستظهر زاداً، لیوم رحيله، ووجه سبيله، وحال حاجته، وموطن فاقتنه...^{۵۰}
پس، از خدا چونان کسی پروا کنید که سخن حق را شنید و فروتنی کرد، گناه کرد و اعتراف کرد، ترسید و به اعمال نیکو پرداخت، (از گناه) پرهیز کرد و (به سوی بندگی) پیش تاخت، یقین پیدا کرد و نیکوکار شد، پند داده شد و آن را به گوش جان خرید، او را ترساندند، ترسید (از معصیت) بازداشتند و او دوری کرد، پاسخ مثبت داد و نیایش و زاری کرد، بازگشت و توبه کرد، در پی راهنمایان الهی رفت و پیروی کرد، راه نشانش دادند و شناخت و شتابان به سوی حق حرکت کرد، رستگار شد در حالی که (از گمراهی) گریزان بود، سود طاعت را ذخیره کرد و باطن را پاکیزه نگاه داشت، جهان آخرت را آبادان و زاد و توشه برای روز حرکت؛ هنگام حاجت و جایگاه

۴۹. نهج البلاغة ۴ / ۳۸، حکمت ۱۵۰، بحار الانوار ۶ / ۳۷، حدیث ۶۰.

۵۰. نهج البلاغة: خطبه ۸۳، بحار الانوار: ۷۴ / ۴۳۸، حدیث ۴۸ (با اندکی تفاوت).

نیازمندی، آماده ساخت، و آن را برای اقامتگاه همیشگی خویش جهان آخرت، پیشاپیش فرستاد.

حضرتش در ادامه همین خطبه می فرماید:

إحذروا الذنوب المورطة، والعيوب المسخطة، أولي الأبصار والأسماع، والعافية والمتاع، هل من مناص أو خلاص

أو معاذ أو ملاذ أو فرار أو محار؟ أم لا؟

فأني توفكون؟

أم أين تصرفون؟

أم بماذا تغترون؟

وإنما حظ أحدكم من الأرض ذات الطول والعرض قيد قدّه متعفراً على خذّه.

الآن عبادالله والخناق مهمل، والروح مرسل، في فينة الإرشاد، وراحة الأجساد، وباحة الإحتشاد، ومهل البقية،

وأنف المشية، وإنظار التوبة، وإنفساح الحوبة، قبل الضنك والمضيق، والروع والزّهوق، وقبل قدوم الغائب

المنتظر، وأخذة العزيز المقتدر؛^{۵۱}

از گناهانی که شما را به هلاکت افکند، از عیب هایی که خشم خدا را در پی دارد،

بپرهیزید. ای دارندگان چشم های بینا، و گوش های شنوا، و سلامت و کالای دنیا! آیا

گریزگاهی هست؟ یا رهایی و جای امنی، پناهگاهی و جای فراری هست؟

آیا باز گشتی برای جبران وجود دارد؟ یا نه؟

پس کی باز می گردید؟

به کدام سو می روید؟

و به چه چیز مغرور می شوید؟

همانا بهره هر کدام از شما از زمین به اندازه طول و عرض قامت شماست! آن گونه

که خاک آلوده بر آن خفته باشد.

ای بندگان خدا! هم اکنون به اعمال نیکو بپردازید؛ تا ریسمان های مرگ، گلوی شما را

نگرفته و روح شما برای کسب کمالات آزاد است، و بدن ها راحت، و در حالتی قرار

دارید که می توانید مشکلات یکدیگر را حل کنید.

هنوز مهلت دارید و جای تصمیم و توبه و باز گشت از گناه باقی مانده است. عمل کنید

پیش از آن که در شدت تنگنای وحشت و ترس و نابودی قرار گیرید، پیش از آن که

مرگ در انتظار مانده، فرا رسد و دست قدرتمند خدای توانا شما را برگیرد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

۵۱. نهج البلاغة، خطبه ۸۳، بحار الانوار ۷۴ / ۲۹ و ۴۳۰، حدیث ۴۳، با اندکی اختلاف.

ما من عبد إلا وفي قلبه نكتة بيضاء، فإذا أذنب ذنباً خرج في النكتة نكتة سوداء، فإن تاب ذهب ذلك السواد، وإن تمادى في الذنوب زاد ذلك السواد حتى يغطي البياض، فإذا غطي البياض لم يرجع صاحبه إلى خير أبداً، وهو قول الله عز وجل: (كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ) ٥٢، ٥٣؛

در قلب هر بنده ای نقطه ای سفید است. وقتی گناه می کند، در آن، نقطه ای سیاه ایجاد می شود. وقتی توبه می کند، این سیاهی از بین می رود. اگر به گناه خود ادامه دهد، این سیاهی افزایش می یابد تا این که همه سفیدی را می گیرد. وقتی سفیدی را پوشانید، آن گناه است که برای همیشه آن فرد به سوی خیر باز نمی گردد. این، همان سخن خدای متعال است که می فرماید: «چنین نیست که آن ها می پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل هایشان نشسته است».

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: پدرم می فرمود:

ما من شيء أفسد للقلب من خطيئة، أن القلب ليواقع الخطيئة، فلا تزال به حتى تغلب عليه يصير أعلاه أسفله؛^{٥٤} هیچ چیز مانند گناه، قلب را فاسد نمی کند. قلب با اشتباه و گناه درگیر است تا این که گناه بر قلب غلبه پیدا می کند و قلب وارونه می شود.

این دو روایت به این معنا هستند که باید انسان خیلی سریع توبه کند تا گناه، قلب او را به این حالت در نیاورد؛ زیرا استغفار از بین برنده گناه است. هم چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

وألحوا في الإستغفار، فإنه ممحاة للذنوب؛^{٥٥}

بر استغفار پافشاری کنید که از بین برنده گناهان است.

علاوه بر این، به تأخیر انداختن توبه و شتاب نکردن در آن، ممکن است به جایی برسد که انسان توان توبه نداشته باشد. مانند این که مرگ او فرارسد و فرصتی برای توبه نداشته باشد، یا این که به جایی برسد که دیگر توبه برای او سخت باشد؛ مانند کسی که آن قدر گناه کرده و تیرگی بر او اثر گذاشته که دل او تاریک شده و بر همه قلبش چیره شده است.

زیرا درمان چنین قلبی در این حالت و محو کردن این اثر و زنگار از قلب و بازگرداندن قلب به حالت طبیعی اول خود، بسیار دشوار است.

به همین دلیل است که اهل بیت علیهم السلام از به تأخیر انداختن توبه، نهی کرده اند... .

٥٢ . الكافي: ٢ / ٢٧٣، حديث ٢٠، بحار الانوار: ٧٠ / ٢٣٢، حديث ١٧.

٥٣ . سورة مطففين، آية ١٤.

٥٤ . الكافي: ٢ / ٢٦٨، حديث ١، باب گناهان، بحار الانوار: ٧٠ / ٣١٢، حديث ١.

٥٥ . تحف العقول: ٢٩٨، بحار الانوار: ٧٥ / ١٧٨، حديث ٥٣ .

پذیرش توبه

همه علما اجماع و اتفاق نظر دارند که اگر شرایط مشخص شده برای توبه، فراهم بیاید، خداوند متعال این توبه را می پذیرد. در این زمینه برخی آیات قرآن کریم و روایات شریفی که از این حقیقت خیر می دهند، می آوریم:

آیات قرآن

خداوند متعال می فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)؛^{۵۶}

به راستی خداوند توبه پذیر و مهربان است.

در آیه دیگری آمده است:

(إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ)؛^{۵۷}

به راستی خداوند توبه پذیر و مهربان است.

در آیه دیگری می خوانیم:

(غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ)؛^{۵۸}

خداوند، آمرزنده گناه و پذیرنده توبه است.

در آیه دیگری می فرماید:

(وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ)؛^{۵۹}

او کسی است که توبه را از بندگانش می پذیرد.

در آیه دیگری آمده است:

(وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى)؛^{۶۰}

و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود، می آمرزم.

۵۶ . سوره توبه: آیات ۱۰۴ و ۱۱۸ .

۵۷ . سوره حجرات: آیه ۱۲ .

۵۸ . سوره غافر: آیه ۳ .

۵۹ . سوره شوری: آیه ۲۵ .

۶۰ . سوره طه: آیه ۸۲ .

در آیه دیگری می خوانیم:

(وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا);^{۶۱}

کسی که کار بدی انجام دهد یا به خود ستم کند، سپس از خداوند طلب آمرزش نماید، خدا را آمرزنده و مهربان خواهد یافت.

در آیه دیگری می فرماید:

(وَأَسْتَغْفِرُهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا);^{۶۲}

و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است.

در چندین آیه خداوند فرموده:

(إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ);^{۶۳}

به راستی خداوند آمرزنده و مهربان است.

در آیه دیگری می فرماید:

(وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ);^{۶۴}

و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود و همانا خدا توبه پذیر و حکیم است.

در آیه دیگری خدای مهربان می فرماید:

(قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ);^{۶۵}

بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

در آیه دیگری می فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ);^{۶۶}

به راستی خداوند شرک را نمی آمرزد و پایین تر از آن را برای هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می آمرزد.

۶۱ . سوره نساء: آیه ۱۱۰.

۶۲ . سوره نصر: آیه ۳.

۶۳ . سوره بقره، آیه های: ۱۷۳ و ۱۸۲ و ۱۹۹ سوره مائده: آیه های ۳۴ و ۳۹ سوره توبه: آیه های ۵ و ۱۰۲ سوره نور:

آیه ۶۲ سوره ممتحنه: آیه ۱۲ و سوره مزمل: آیه ۲۰.

۶۴ . سوره نور: آیه ۱۰.

۶۵ . سوره زمر: آیه ۵۳.

۶۶ . سوره نساء: آیه ۴۸.

در آیه دیگری آمده:

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ^{٦٧};

به آن ها که کافر شدند بگو: چنان چه از مخالفت باز ایستند، گذشته آن ها بخشوده خواهد شد.

روایات

درباره پذیرش توبه روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام رسیده که مواردی را می آوریم.
رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:

لو عملتم الخطايا حتى تبلغ السماء، ثم ندمتم، لتاب الله

عليكم^{٦٨};

اگر به اندازه ای گناه انجام دهید که به آسمان برسد، سپس پشیمان شوید، خداوند توبه شما را می پذیرد.

آن حضرت در حدیث دیگری می فرماید:

كفارة الذنب، الندامة^{٦٩};

کفاره گناه، پشیمانی است.

امیرمؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

لا شفيع أنجح من التوبة^{٧٠};

شفیعی کارآمدتر از توبه نیست.

ایشان هم چنین می فرماید:

من أعطى التوبة لم يحرم القبول^{٧١};

کسی که توفیق توبه پیدا کرد، از پذیرفته شدن، محروم نمی شود.

آن حضرت در جای دیگر می فرماید:

ما كان الله ليفتح على عبد باب الشكر، ويغلق عنه باب الزيادة، ولا ليفتح على عبد باب الدعاء، ويغلق عنه باب

الإجابة، ولا ليفتح على عبد باب التوبة، ويغلق عنه باب المغفرة^{٧٢};

٦٧ . سوره انفال: آیه ٣٨.

٦٨ . جامع السعادات: ٣ / ٥٢.

٦٩ . همان، هم چنین مسند أحمد: ١ / ٢٨٩، مجمع الزوائد: ١٠ / ١٩٩، المعجم الكبير: ١٢ / ١٣٤.

٧٠ . نهج البلاغة، ٤ / ٨٧، الكافي: ٨ / ١٩، الأمالي، شيخ صدوق: ٣٩٩، وسائل الشیعة: ١٥ / ٣٣٤، حدیث ٦، بحار الانوار:

٦ / ١٩، حدیث ٦، و ٦٦ / ٤١١، حدیث ١٢٨.

٧١ . نهج البلاغة: خطبه ٣٣، بحار الانوار: ٦ / ٣٧، حدیث ٦١.

خدا در شکرگزاری را بر بنده ای نمی گشاید که در فزونی نعمت ها را بر او ببندد، و در دعا را بر روی او باز نمی کند که در اجابت کردن را نگشاید و در توبه کردن را باز نگذاشته که در آمرزش را بسته نگه دارد.

امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم می فرماید:

ذُنُوبُ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَابَ مِنْهَا مَغْفُورَةٌ لَهُ، فَلْيَعْمَلِ الْمُؤْمِنُ لِمَا يَسْتَأْنِفُ مِنَ التَّوْبَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، أَمَا وَاللَّهِ إِنَّهَا لَيْسَتْ إِلَّا لِأَهْلِ الْإِيمَانِ؛

تا وقتی مؤمن از گناهان خویش توبه کند، آمرزیده شده است و بعد از توبه و مغفرت باید عمل آغاز کند. هان به خدا سوگند که توبه و مغفرت فقط برای اهل ایمان است.

به آن حضرت عرض شد: اگر پس از توبه و استغفار از گناهان، دوباره گناه انجام داد و پس از آن توبه کرد، باز همین گونه است؟
حضرت فرمود:

يا محمد بن مسلم! أترى العبد المؤمن يندم على ذنبه ويستغفر منه ويتوب، ثم لا يقبل الله توبته؟
ای محمد بن مسلم! گمان می کنی بنده مؤمن از گناه خود پشیمان بشود و از آن استغفار و توبه کند، خدا توبه او را نمی پذیرد؟

محمد بن مسلم عرض کرد: زیرا این فرد، چندین بار این گناه را تکرار کرده؛ گناه کرده و پس از آن توبه و استغفار کرده است.
امام فرمود:

كَلَّمَا عَادَ الْمُؤْمِنُ بِالِاسْتِغْفَارِ وَالتَّوْبَةِ عَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالمَغْفِرَةِ وَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛^{۷۳} يَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ، فَيَاكَ أَنْ تَقْنَطَ الْمُؤْمِنُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ؛^{۷۴}

هرچه مؤمن با استغفار و توبه بازگردد، خداوند نیز او را می آمرزد. «به راستی که خداوند آمرزنده مهربان است»؛ توبه را می پذیرد و از سیئات درمی گذرد. پس مبادا که مؤمن را از رحمت خداوند نومید کنی.
هم چنین ایشان می فرماید:

التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ، وَالْمَقِيمُ عَلَى الذَّنْبِ وَهُوَ يَسْتَغْفِرُ مِنْهُ كَالْمُسْتَهْزِئِ؛^{۷۵}

۷۲. همان: ۴ / ۱۰۲، حدیث ۴۳۵، همان: ۶ / ۳۶، حدیث ۵۸.

۷۳. سوره بقره، آیه های ۱۷۳، ۱۸۲ و ۱۹۹...

۷۴. الکافی: ۲/۴۳۴، حدیث ۶، وسائل الشیعة: ۷۹/۱۶، حدیث ۱، بحار الانوار: ۶/۴۰، حدیث ۷۱.

۷۵. همان: ۲/۴۳۵، حدیث ۱۰، بحار الانوار: ۶/۴۱، حدیث ۷۵، وسائل الشیعة: ۱۶/۷۴، حدیث ۸.

توبه کننده از گناه، مانند فرد بی گناه است، ولی کسی که پیوسته گناهی را مرتکب می شود و از آن استغفار می کند، مانند مسخره کننده است.

خداوند متعال می فرماید:

(فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غُفُورًا)^{۷۶};

به راستی که خدا برای ناله کنندگان بسیار آمرزنده است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید:

هم التَّوَابُونَ الْمُتَعَبِدُونَ^{۷۷};

توابعین کسانی هستند که بسیار توبه می کنند و عبادت پیشه هستند.

آن حضرت هم چنین فرمود:

شفاعتنا لأهل الكبائر من شيعتنا، وأما التائبون فإن الله تعالى يقول: (ما عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ)^{۷۸، ۷۹};

شفاعت ما برای شیعیانی است که گناه کبیره دارند. اما افراد توبه کننده، طبق فرموده خداوند: «بر نیکوکاران راه مؤاخذه نیست».

در روایت دیگری معاویه بن وهب می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

إذا تاب العبد المؤمن توبة نصوحاً أحبه الله، فستر عليه في الدنيا والآخرة;

وقتی بنده ای توبه راستین انجام می دهد، خداوند او را دوست می دارد و در دنیا و آخرت بر (گناهانش) پرده ای می کشد (و آن ها را نادیده می گیرد).

راوی می گوید: پرسیدم: چگونه؟

حضرت فرمود:

ينسي ملكيه ما كتب عليه من الذنوب، وأوحى إلى جوارحه: أكتمي عليه ذنوبه، وأوحى إلى بقاع الأرض: أكتمي

عليه ما كان يعمل عليك من الذنوب، فيلقى الله حين يلقاه، وليس شيء يشهد عليه بشيء من الذنوب^{۸۰};

خداوند، گناهانی را که دو فرشته برایش نوشته اند، از یاد این فرشتگان می برد. به اعضای بدن او نیز الهام می کند که گناهانش را پنهان کنید. به زمین نیز الهام می کند

۷۶ . سوره اسراء، آیه ۲۵.

۷۷ . تفسیر العیاشی: ۲ / ۲۸۶، حدیث ۴۲، بحار الانوار: ۶ / ۳۴، حدیث ۴.

۷۸ . سوره توبه: آیه ۹۱.

۷۹ . من لا یحضره الفقیه: ۳ / ۵۷۴، حدیث ۴۹۶۴، وسائل الشیعة: ۱۵ / ۳۳۴، حدیث ۵.

۸۰ . الکافی: ۲ / ۴۳۱، حدیث ۱، ثواب الأعمال: ۱۷۱، وسائل الشیعة: ۱۶ / ۷۱، حدیث ۱، بحار الانوار: ۶ / ۲۸، حدیث ۳۱،

و ۷ / ۳۱۷، حدیث ۱۲.

که آن گناहانی را که بر روی تو انجام می داد، پنهان کن. او نیز در حالی خداوند را ملاقات می کند که هیچ شاهدهی نیست که به گناهان او گواهی دهد.

این آیات و روایات فراوان، همگی بر این دلالت دارند که با توبه، عذاب از انسان برداشته می شود، زیرا وقتی بنده خدا از گناهی توبه می کند و توبه اش همه شرایط لازم را دارد، خدا او را مجازات نمی کند، زیرا در این هنگام، این فرد، عاصی و گناهکار نیست؛ بلکه چنین فردی با توبه، بی گناه می شود.

این از لطف فراگیر خداوند و عطوفت همگانی آن ذات و رحمت واسعه اوست. برطرف شدن عذاب از راه توبه، امری است که اجماع همه مسلمانان بر آن واقع شده است.

آیا قبول توبه و اسقاط عذاب بر خدا واجب است؟

مسلمانان در این امر اختلاف نظر دارند که اگر گناهکار از گناه خود توبه کرد، آیا بر خداوند واجب است که توبه او را بپذیرد و عذاب را از او بردارد؛ به طوری که اگر او را عذاب کرد، ظلم به آن بنده به شمار آید؟ یا این که اگر با توبه، عذاب را از بنده خود برداشت، از روی لطف و کرم خداوند است؟!؟

در پاسخ به این مسأله، میان علمای اسلام اختلاف نظر وجود دارد؛ شیخ طبرسی رحمه الله می فرماید:

پذیرش توبه و برداشته شدن عذاب به دلیل توبه، يك لطف الهی است و از نگاه ما شیعیان بر خدا واجب نیست که چنین کند. اما همه معتزلی ها بر واجب بودن بخشش گناه بر خداوند، اتفاق نظر دارند. اما خداوند — هرچند از روی لطف و تفضل خویش — وعده داده که عذاب را از توبه کنندگان بردارد. می دانیم که وعده های خداوند نیز محقق می شود.^{۸۱}

ایشان در جای دیگر چنین تصریح می کند:

... این يك لطف است. مذهب علمای شیعه نیز بر همین باور است.^{۸۲}

شیخ مفید رحمه الله در این باره می نویسد:

قبول توبه واجب است. زیرا يك طاعت است. اما این که عذاب به دلیل توبه برداشته شود، لطف خداوند است. معتزله و همفکران آن ها بر این باورند که چنین کاری بر خداوند واجب است. ما باور صحیح در این باره را در شرح بر «الجمل» تبیین کرده ایم.^{۸۳}

۸۱. تفسیر مجمع البیان: ۱ / ۱۷۶.

۸۲. همان: ۱ / ۴۴۸. شیخ طبرسی رحمه الله هم چنین می گوید: طبق باور شیعیان، برداشتن عذاب به هنگام توبه، يك لطف از سوی خداوند سبحان و رحمت خداوند است.

از علامه حلی رحمه الله نیز نقل شده که در مجموعه ای از کتاب های کلامی خویش، همین دیدگاه را برگزیده است.

شیخ بهایی رحمه الله پس از ذکر این که دیدگاه شیخ مفید و علامه حلی این است که برداشته شدن عذاب، يك لطف الهی است، می نویسد:

ظاهر این است که دیدگاه برگزیده شیخ مفید و علامه حلی درست است. دلیل وجوب برداشتن عقاب، بر خداوند، يك استدلال حدسی و ضعیف است.^{۸۴}

علامه مجلسی رحمه الله در این باره می نویسد:

از ظاهر روایات و ادعیه صحیفه سجادیه و دیگر ادله برداشت می شود که این يك لطف الهی است... با تأمل در این ادله، روشن می شود که دلیل بیان شده برای اثبات وجوب این امر بر خداوند، دلیلی ضعیف و حدسی است و هر کسی اهل دقت باشد به همین عقیده خواهد رسید.^{۸۵}

سید نعمت الله جزایری رحمه الله نیز مانند این مطلب را ذکر کرده است.^{۸۶}

علامه طباطبایی با استفاده از آیات قرآن کریم، دیدگاه لطف بودن بخشش گناهان را پذیرفته است.^{۸۷}

ظاهر عبارات شارح صحیفه سجادیه نیز همین دیدگاه را نشان می دهد.^{۸۸}

عموم اشعری ها نیز همین دیدگاه را پذیرفته اند. اما از میان علمای شیعه، محقق طوسی رحمه الله را می یابیم که در کتاب التجرید، در این مسأله توقف کرده و دیدگاه مشخصی را نپذیرفته است.

علامه حلی رحمه الله نیز در شرح التجرید فقط به بیان ادله صاحبان دو دیدگاه، بسنده کرده است.^{۸۹}

انواع توبه

با توجه به تفاوت در نوع گناهان، توبه نیز اقسام و انواعی دارد. زیرا گناه گناه انسان از از حقوق الهی و گناه حق الناس است.

در باره حق الله می گوئیم:

۸۳ . تفسیر التبیان: ۱ / ۱۷۰، الإقتصاد: ۱۲۴ - ۱۲۵.

۸۴ . الأربعین: ۲۲۲.

۸۵ . بحار الانوار: ۶ / ۴۸.

۸۶ . الأنوار النعمانية: ۳ / ۱۴۷.

۸۷ . تفسیر المیزان: ۱۷ / ۳۱۱.

۸۸ . ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، مدنی شیرازی: ۴۷۷.

۸۹ . کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد: ۵۷۳.

حق الله یا گناه انسان به واسطه انجام فعلی ناشایست است، مانند نوشیدن شراب، یا این که از سستی و کوتاهی در انجام یکی از واجبات مانند نمازهای واجب روزانه و یا نماز عید فطر و قربان در زمان حضور امام از انسان سر می زند.

درباره جایی که انسان با انجام فعلی ناشایست، در زمینه حق الله، گناه انجام می دهد، پشیمانی از انجام آن عمل و داشتن قصد انجام ندادن دوباره آن در آینده کافی است. این مطلب در تعریف توبه نیز آمده است.

اما در جایی که گناه بر اثر انجام ندادن يك واجب باشد، اگر به گونه ای است که زمان انجام آن هنوز باقی مانده، باید در مدت باقی مانده، فوری آن عمل را انجام دهد. اما در مواردی که يك امر واجب ترك شده و زمان انجام آن واجب نیز به پایان رسیده، می توان دو حالت را تصور کرد:

۱. این واجب، فعلی است که وقتی زمان معینش به پایان رسید، وجوب آن نیز پایان می یابد، مانند نماز عید، در این حالت، پشیمانی از ترك واجب، و تصمیم بر انجام واجب در زمان های بعد، توبه است.

۲. اما اگر با پایان یافتن زمان وجوب، اصل وجوب هم چنان باقی است، قضای آن عمل، واجب است. مانند نمازهای روزانه.

درباره حق الناس می گوئیم:

حق الناس گناهی که انسان انجام می دهد و این گناه در زمره حقوق انسان هاست، این به سه دسته تقسیم می شود:

۱. گناهی که موجب گمراهی دینی و اعتقادات مردم می شود. توبه در این حالت با وجوب ارشاد و هدایت فرد گمراه شده از سوی مرتکب گناه، معنا می یابد.

این فرد باید انسان هایی را که به واسطه باورهای باطلی که به دست او ترویج شده، گمراه شده اند، از باورهای باطل به سمت باورهای راستین هدایت کند... توبه این فرد، همین است.

۲. در مواردی که ستم می شود. به طوری که یکی از حقوق مردم پایمال می شود.

در این صورت، گناهکار باید حق پایمال شده و یا سلب شده از مردم را به آنان بازگرداند و آن را جبران کند. در صورتی که صاحب حق مرده، باید حق او را به ورثه اش بدهد یا این که از خودش یا وارثانش حلالیت بطلبد. اما اگر چنین کاری برایش ممکن نبود، باید تصمیم به انجام این کار داشته باشد.

حتی اگر این حق از حقوق مالی نبود، بلکه به عنوان مثال گناه کاری با عمل خویش موجب شده به ناحق بر فردی حق قذف جاری شود یا قصاص گردد، گناهکار باید خود را از این گناه پاک کند.

راهش نیز این است که خود را به اولیای مقتول تسلیم کند تا آنان یا از او درگذرند، یا او را قصاص کنند و یا این که دیه بگیرند و او را ببخشند.

اما اگر موجب قطع برخی اعضای فردی شده، باید خود را برای قصاص همان عضو تحویل فرد ستمدیده یا وارثان او بدهد.

۳. در صورتی که به واسطه غیبت حق کسی را تضییع کرده، واجب است که از این کار خود پشیمان شود و به سوی خدا توبه کند و از آن چه انجام داده پشیمان شود. آن گاه از آن فرد حلالیت بطلبد تا حق آن فرد از گردن او برداشته شود.

البته اگر این غیبت به گوش آن فرد رسیده باشد، باید چنین کند. در غیر این صورت، از نگاه محقق طوسی و علامه حلی، معذرت خواهی از آن فرد واجب نیست.

شهید ثانی رحمه الله نیز در کتاب کشف الریبه فی أحكام الغیبه چگونگی عذرخواهی را به طور کامل تشریح کرده است.^{۹۰}

البته یادآوری این نکته شایسته است که علامه حلی و شیخ بهایی بر این باورند که امور یادشده، از اجزای توبه واجب نیستند. زیرا به واسطه توبه، عذاب از انسان برداشته می شود.

البته اگر انسان مکلف به شروطی که گفته شد، عمل کند و همه آن ها را انجام دهد، این از مراحل کمال توبه خواهد بود. زیرا ترك این شروط، مانع از برداشته شدن عذاب به واسطه توبه از گناهکار نمی شود؛ بلکه با توبه، عذاب از او برداشته می شود.

اما ترك شروط پیش گفته، به منزله گناهان جدیدی است که او باید از آن ها توبه کند.^{۹۱}

علامه حلی رحمه الله می نویسد:

بله، اگر انسان توبه گر، این شروط را پس از اظهار توبه خویش، انجام داد، این دلالت بر راستین بودن پشیمانی اش دارد. اما اگر این اعمال را انجام نداد، می توان ترك این امور را حمل بر صحت نداشتن پشیمانی او بنماییم.^{۹۲}

این دو عالم بزرگ شیعی، به اختلاف معتزله با شیعه در این مسأله نیز اشاره کرده اند. معتزلی ها بر این باورند که ردّ مظالم و ایفای حقوق از دست رفته در حق الناس و انجام امور گفته شده، شرط صحت و درستی توبه است.

۹۰. کشف الریبه فی أحكام الغیبه: ۷۰ فصل پنجم در کفاره غیبت.

۹۱. الأربعین: ۲۳۲، حدیث ۳۸ توبه و شرایط آن.

۹۲. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد: ۵۷۱.

معتزلی ها می گویند: بدون بیرون آمدن از ستم یا بری شدن از يك حق، توبه از آن ستم و یا حق، درست نیست. مگر این که آن حق را ادا نماید و به صاحبش برگرداند. در صورتی که او زنده نیست، به ورثه اش بدهد.

به هر حال، پیامدهای گفته شده، نزد معتزله، برای قبولی توبه لازم است... .

تقسیم گناهان

اکنون پرسش این است که آیا گناهان به بزرگ و کوچک تقسیم می شوند، یا این که چنین تقسیمی نادرست است و همه گناهان، بزرگ هستند؟

علمای شیعه در این مسأله دیدگاه یکسانی ندارند. بیشتر علما بر این باورند که گناهان بر دو دسته کوچک و بزرگ تقسیم می شوند.

آنان به آیات قرآن کریم و روایات فراوانی استناد می کنند که تصریح کرده اند گناهان به کوچک و بزرگ تقسیم می شوند. حتی گروهی از روایات در مقام تعیین گناهان بزرگ و بیان مقدار و انواع آن ها نیز برآمده اند.^{۹۳}

به همین دلیل است که علما نیز به دلیل تفاوت روایات نقل شده در این باره، در تعداد گناهان کبیره، اختلاف نظر دارند.

خداوند متعال در یکی از آیاتی که به این موضوع اشاره دارد، چنین می فرماید:

(إِنْ تَجْتَبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلِكُمْ مَدْخَلَ كَرِيمًا);^{۹۴}

اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید پرهیز کنید، گناهان کوچک شما را می پوشانیم و شما را در جایگاه خوبی وارد می سازیم.

گناه بزرگ کدام گناه است؟

از سوی دیگر، در معنای گناه بزرگ نیز اختلاف نظر وجود دارد. برخی از این دیدگاه ها را در این جا نقل می کنیم:

گناه بزرگ عبارت است از:

۱. هر گناهی که خداوند متعال در قرآن کریم، درباره آن، وعده عذاب داده است.
۲. هر گناهی که شارع درباره آن به صراحت وعده دوزخ داده یا حدّ برای آن تعیین کرده است.

۹۳. ر.ك: بحار الانوار: ۸۵ / ۲۶.

۹۴. سوره نساء: آیه ۳۱.

۳. هر گناهی که نشان می دهد، انجام دهنده آن، پابندی چندان زیادی به دین ندارد.

۴. هر گناهی که به واسطه دلیلی قطعی، حرمت آن ثابت شده باشد.

۵. هر گناهی که در قرآن کریم و سنت برای آن عذاب شدید بیان شده است.^{۹۵}

گروهی از بزرگان شیعه هم چون شیخ مفید و علامه طبرسی رحمهم الله دیدگاه دوم را پذیرفته اند. اینان می گویند: همه گناهان، بزرگ هستند. زیرا هر آن چه را که خداوند متعال از آن نهی کرده، يك معصیت بزرگ است... بنابراین، همه گناهان در این که پلید هستند، مشترکند. اما برخی، از برخی بزرگ تر دیگرند، مانند انجام عمل زنا نسبت به بوسیدن و لمس کردن زن نامحرم، یا لمس نامحرم نسبت به نگاه کردن او.^{۹۶}

شیخ طبرسی رحمه الله این دیدگاه را به عنوان دیدگاه عموم علمای شیعه بیان کرده است...^{۹۷}

آیا توبه فقط از گناهان بزرگ، واجب است؟

اگر بپذیریم که گناهان بر دو دسته بزرگ و کوچک هستند، باید به این پرسش پاسخ بدهیم که آیا توبه از هر گناهی واجب است یا فقط توبه از گناهان بزرگ واجب است و گناهان کوچک، در صورت انجام ندادن گناه بزرگ، بخشیده می شوند؟

در این باره نیز برخی دیدگاه اول را پذیرفته اند. آنان می گویند: در وجوب توبه، میان گناهان بزرگ و کوچک تفاوتی نیست. آیات و روایاتی که انسان ها را به توبه فرمان می دهند، عمومیت دارند و فراگیر هستند و هر دو مورد بزرگ و کوچک را شامل می شوند.

از سوی دیگر، ترك توبه پس از انجام معصیت، يك عمل زشت و قبیح است. توبه از عمل زشت و قبیح نیز به این دلیل واجب است که آن کار، قبیح و ناشایست است. این حکم نیز عام و فراگیر است؛ به طوری که میان گناه بزرگ و کوچک تفاوتی نیست.

شیخ بهایی، علامه مجلسی رحمهما الله^{۹۸} و گروهی از معتزلی ها بر این باورند که دوری از گناهان بزرگ، موجب بخشیده شدن گناهان کوچک می شود. اینان در این زمینه به ظاهر آیه ۳۱ سوره نساء^{۹۹} و دیگر آیات و روایات استدلال کرده اند. بر این پایه، توبه از گناهان بزرگ، واجب نیست.

۹۵. ر.ك: ذخيرة المعاد: ۱ / ۳۰۴، كفاية الأحكام: ۱ / ۱۳۸، الحدائق الناضرة: ۱۰ / ۴۶، بحار الانوار: ۸۵ / ۲۵.

۹۶. أوائل المقالات: ۳۳۴، حدیث ۹۲، تفسیر التبیان: ۳ / ۱۸۲ و ۹ / ۴۳۲ - ۴۳۳، تفسیر مجمع البیان: ۳ / ۶۹، مجمع البحرین: ۴ / ۱۰.

۹۷. تفسیر مجمع البیان: ۳ / ۶۹، تفسیر جوامع الجامع: ۱ / ۳۹۲ و ۳۹۳، تفسیر التبیان: ۹ / ۴۳۲. در این کتاب آمده: از نگاه ما، همه گناهان، بزرگ هستند، اما برخی گناهان نسبت به برخی دیگر بزرگ ترند.

۹۸. بحار الانوار: ۶ / ۴۲.

پافشاری بر گناه كوچك

البته یادآور می شویم که بنابر اتفاق علما، پافشاری بر گناه كوچك و انجام مکرر آن، گناه را به گناه بزرگ تبدیل می کند. در این صورت این گناه قابل بخشش نیست و عدالت شخص را از بین می برد.

درباره معنای اصرار و پافشاری بر گناهان كوچك، تعریف های متفاوتی ارائه شده است: یکم. اصرار و پافشاری؛ یعنی انجام دادن گناهان كوچك به میزان فراوان؛ خواه این گناهان از يك نوع باشند و خواه متفاوت.

دوم. انجام دادن فراوان يك نوع گناه كوچك اصرار بر آن گناه نامیده می شود. سوم. انجام دادن فراوان گناه كوچك به طور مطلق؛ به گونه ای که ارتکاب آن گناه، بیش از موارد پرهیز از انجام آن باشد.

علامه مجلسی رحمه الله این دیدگاه ها را شمرده و سید محدث نعمت الله جزایری رحمه الله نیز به آن ها اشاره کرده است.

چگونگی تبدیل شدن گناه كوچك به گناه بزرگ

در کتاب های المحجة البيضاء، جامع السعادات، الانوار النعمانیة و دیگر کتاب های مربوط، به شرح گناه كوچك و نحوه تبدیل شدن آن به کبیره پرداخته شده است. خلاصه مطالب این کتاب ها به این شرح است:

ممکن است گناه كوچك، به دلایلی به گناه بزرگ تبدیل شود:

۱. اصرار و پیوستگی تکرار آن

امام صادق علیه السلام می فرماید:

لا صغيرة مع الإصرار، ولا كبيرة مع الاستغفار؛^{۱۰۰}

۹۹. خداوند متعال در این آیه چنین می فرماید:

(إِنَّ تَجْنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكَرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَتُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمًا)؛

اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی می شوید پرهیز کنید، گناهان كوچك شما را می پوشانیم و شما را در جایگاه خوبی وارد می سازیم.

۱۰۰. الکافی: ۲ / ۲۸۸، حدیث ۱، بحار الانوار: ۸۵ / ۳۰.

با اصرار و پافشاری بر گناه، آن گناه كوچك نیست. با استغفار، گناه بزرگ، بزرگ نیست.

۲. ناچیز و كوچك شمردن گناه

در حدیثی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود:

اتَّقُوا الْمُحَقَّرَاتِ لِنِ لِلذُّنُوبِ، فَإِنَّهَا لَا تَغْفِرُ...^{۱۰۱}

از گناهان ناچیز پرهیز کنید، زیرا آن ها آمرزیده نمی شوند... .

در روایت دیگری حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَخَفَّ بِهِ صَاحِبُهُ^{۱۰۲}

سخت ترین گناهان، گناهی است که گناهکار آن را سبک شمارد.

۳. غرور در برابر بردباری خدا

فردی گناه كوچك را انجام دهد، اما به دلیل مغرور شدن به بردباری و پرده پوش بودن خداوند، به انجام آن توجه چندانی نداشته باشد.

۴. سرور و خوشحالی در انجام گناه كوچك

به همین دلیل امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

سَيِّئَةٌ تَسُوكُ خَيْرٌ مِنْ حَسَنَةٍ تَعْجَبُكَ^{۱۰۳}

گناهی که تو را ناراحت کند، از حسنه ای که تو را مغرور نماید، بهتر است.

۵. آشکار کردن گناه

یعنی انسانی گناه کند و پس از انجام آن، با نقل گناه خویش، آن را آشکار نماید و یا این که گناه را در برابر دیگران انجام دهد.

۶. آگاهی و گناه كوچك

یعنی گناهکار، عالمی باشد که مردم به او اقتدا می کنند.^{۱۰۴}

۱۰۱. همان: ۲ / ۲۸۷، حدیث ۱، البته در بحار الانوار: ۷۰ / ۳۴۵، این روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

۱۰۲. نهج البلاغه: ۴ / ۱۱۰، حکمت ۴۷۷، وسائل الشیعة: ۱۵ / ۳۱۲، حدیث ۷، بحار الانوار: ۷۰ / ۳۶۴، حدیث ۹۶.

۱۰۳. عدّة الداعی: ۲۲۲، شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ۲۰ / ۳۱۷، ۶۴۲، بحار الانوار: ۶۹ / ۳۲۱، ۳۷ و ۷۵ و ۶۷، حدیث ۷.

۱۰۴. جامع السعادات: ۳ / ۵۹، حدیث ۶۱.

توبه نصح چیست؟

همان گونه که پیش تر گذشت، در قرآن کریم از توبه نصح سخن به میان آمده است، آن جا که می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا﴾^{۱۰۵}

ای کسانی که ایمان آورده اید! به سوی خدا توبه کنید؛ توبه ای خالص.

در بیان معنای توبه نصح اقوال مختلفی میان علمای تفسیر و اخلاق بیان شده است. برخی از این ها عبارتند از:

۱. نصح در این آیه به معنای «النصاحه» آمده است که طبق گفته زبان دانان؛ یعنی «خیاطی کردن» است.

زیرا توبه، موجب می شود آن قسمت از دین که به واسطه گناه از هم گسسته شده، دوخته شود. هم چنان که خیاط نیز با دوخت خود، پارچه های از هم جدا را به هم می دوزد.^{۱۰۶}

۲. معنای آیه این است که توبه ای بکنید که به کامل ترین شکل باشد تا به واسطه آن برای خود «نصح» و خیرخواهی به دست آورید.^{۱۰۷}

۳. یعنی توبه ای که مردم را نیز نصیحت می کند؛ به این معنا که آنان را نیز به مانند آن دعوت می نماید و برای مردم الگو و سرمشق توبه از گناهان می شود.^{۱۰۸}

۴. معنای آیه چنین است: برای خدا توبه ای خالص و ناب انجام دهید؛ به طوری که شائبه امور دیگر مانند ترس از آتش دوزخ و یا تلاش برای به دست آوردن بهشت و مانند این ها، در میان نباشد.^{۱۰۹}

برخی از دیدگاه ها درباره معنای توبه نصح را آورده ایم. اما در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام در معنای نصح این گونه فرمود:

أن يكون باطن الرجل كظاهرة وأفضل؛^{۱۱۰}

باطن مرد مانند ظاهر او و بهتر از آن باشد.

در روایت دیگری آمده که حضرتش فرمود:

أن يتوب الرجل توبة صادقة وينوي أن لا يعود إلى الذنب أبداً؛^{۱۱۱}

۱۰۵. سورة تحریم، آیه ۸.

۱۰۶. العين: ۳ / ۱۱۹، لسان العرب: ۲ / ۶۱۶ - ۶۱۷، بحار الانوار: ۶ / ۱۷ و ۸۳ / ۱۴۵.

۱۰۷. بحار الانوار: ۶ / ۱۷، شرح أصول الكافي: ۱۰ / ۱۶۹.

۱۰۸. همان: ۸۳ / ۱۴۵.

۱۰۹. همان: ۶ / ۱۷ و ۸۳ / ۱۴۵، تفسیر التبیان: ۱۰ / ۵۱، تفسیر مجمع البیان: ۱۰ / ۶۲.

۱۱۰. معانی الأخبار: ۱۷۴، وسائل الشیعة: ۱۶ / ۷۷، بحار الانوار: ۶ / ۲۲، حدیث ۲۲.

فرد توبه ای راستین انجام دهد و تصمیم بگیرد که هرگز به سراغ گناه نرود.

فواید توبه

اینک به برخی از فواید توبه می پردازیم. توبه فواید فراوانی دارد. توبه انسان را در جهان آخرت از عذاب الهی نجات می دهد و موجب تمیز شدن قلب و تهذیب نفس می شود.

توبه انسان را به خداوند متعال نزدیک می کند و محبت خداوند را در دل ایجاد می نماید.

انسان با توبه، از بلاها، مصیبت ها و فتنه های دنیایی و آثار بد گناهان رهایی می یابد.

حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام در سخنی می فرماید:

فما زالت نعمة، ولا نضارة عيش، إلا بذنوب اجترحوها، (أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ)،^{۱۱۲} ولو أنهم استقبلوا ذلك

بالدعاء والإجابة لم تنزل؛^{۱۱۳}

هر نعمتی که از مردم دور گردد و یا زندگی خوششان تغییر یابد همه به خاطر گناهانی است که مرتکب شده اند. «خداوند هرگز به بندگان خود ظلم روا نمی دارد»، اگر آن ها هنگامی که بلا بر آن ها فرود آمد و نعمت از آن ها زائل شد با نیت های پاک به طرف خداوند رفته بودند و دست به دعا و توبه برمی داشتند، آن بلاها نازل نمی شد.

پیش تر گذشت که امام صادق علیه السلام می فرماید:

كان أبي يقول: ما من شيء أفسد للقلب من خطيئة، إن القلب ليواقع الخطيئة فلا تزال به حتى تغلب عليه، فيصير

أعلاه أسفله؛^{۱۱۴}

پدرم همواره می فرمود: هیچ چیز مانند اشتباه و خطا، قلب را فاسد نمی کند. قلب با اشتباه و خطا درگیر است تا این که اشتباه بر قلب غلبه پیدا می کند و قلب وارونه می شود.

هم چنین آن حضرت در سخن دیگری فرمود:

أما أنه ليس من عرق يضرب ولا نكبة ولا صداع ولا مرض، إلا بذنوب، وذلك قول الله عز وجل في كتابه: (وما

أصابكم من مصيبة فبما كسبت أيديكم ويعفوا عن كثير)؛^{۱۱۵}

۱۱۱ . معانی الأخبار: ۱۷۴، بحار الانوار: ۶ / ۲۲، حدیث ۲۳، وسائل الشیعة: ۱۶ / ۷۷، حدیث ۳.

۱۱۲ . سوره آل عمران: آیه ۱۸۲، سوره انفال: آیه ۵۱.

۱۱۳ . الخصال: ۶۲۴، بحار الانوار: ۱۰ / ۱۰۲ با اندکی تفاوت.

۱۱۴ . ر.ک: ص ۴۱ از همین کتاب.

۱۱۵ . سوره شوری: ۳۰.

هر رگی در انسان حرکت طبیعی خود را از دست بدهد، و یا گرفتاری و پریشانی برای آدمی بیاید، و یا سردرد و بیماری نصیب انسان گردد همه به خاطر گناه است. خداوند متعال در قرآن مجید فرمود: «هر مصیبتی به شما رسد به خاطر اعمالی است که انجام داده اید، و بسیاری را نیز عفو می کند!»

سپس حضرت فرمود:

وما يعفو الله أكثر مما يؤاخذ به؛^{۱۱۶}

و آن چه خداوند می بخشد، بیش از مواردی است که به خاطر آن ها مؤاخذه و مجازات می کند.

در روایت دیگری امام باقر علیه السلام می فرماید:

إن العبد ليذنب الذنب فيزوي عنه الرزق؛^{۱۱۷}

به راستی بنده گناه می کند. آن گاه روزی از او گرفته می شود.

امام صادق علیه السلام درباره گناه می فرماید:

ما أنعم الله على عبد نعمة فسلبها إياه حتى يذنب ذنباً يستحق بذلك السلب؛^{۱۱۸}

هیچ نعمتی نیست که خداوند به بنده ای داده باشد و سپس از او بگیرد، مگر تا زمانی که او گناهی انجام دهد که به دلیل آن گناه، سزاوار سلب آن نعمت شود.

امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

كلما أحدث العباد من الذنوب ما لم يكونوا يعملون، أحدث الله لهم من البلاء ما لم يكونوا يعرفون؛^{۱۱۹}

هر وقت مردم به گناه تازه ای آلوده شوند خداوند آن ها را به بلای تازه ای دچار می نماید.

البته در این زمینه روایات فراوان دیگری نیز آمده که همگی به بیان آثار دنیوی و اخروی

گناهان می پردازند. ولی ما به همین اندازه بسنده می کنیم.

بنابر این، توبه از گناهان، نجات از آثار گناه به واسطه فضل و رحمت الهی است.

وجوب توبه و فراگیری آن

۱۱۶ . الکافی: ۲ / ۲۶۹، حدیث ۳، مکارم الأخلاق: ۴۱۱، بحار الانوار: ۷۰ / ۳۱۵، حدیث ۳، و ۷۸ / ۲۰۰، حدیث ۵۷.

۱۱۷ . همان: ۲ / ۲۷۰، حدیث ۸، وسائل الشیعة: ۱۵ / ۳۰۱، حدیث ۹، بحار الانوار: ۷۰ / ۳۱۸، حدیث ۶.

۱۱۸ . همان: ۲ / ۲۷۴، حدیث ۲۴، همان: ۱۵ / ۳۰۴، حدیث ۱۸، همان: ۷۰ / ۳۳۹، حدیث ۱.

۱۱۹ . همان: ۲ / ۲۷۵، حدیث ۲۹، وسائل الشیعة: ۱۵ / ۳۰۴، حدیث ۲۱، بحار الانوار: ۷۰ / ۳۴۳، حدیث ۲۶.

توبه بر همه مردم و در همه حالت ها واجب است. خداوند متعال در قرآن کریم به ما این گونه فرمان داده و فرموده است:

(وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا)؛^{۱۲۰}

و همگی به سوی خدا بازگردید.

بنابراین، میان اشخاص یا حالت های مختلف، تفاوتی نیست و همه مخاطب این آیه هستند. زیرا هر يك از انسان ها در زمانی و یا در موقعیتی دچار گناه شده اند، چرا که غریزه های انسان و فراهم بودن شهوت ها — که سربازان شیطان ها هستند — در انسان وجود دارد.

البته درباره گناهان پیامبران و اوصیا علیهم السلام باید گفت که گناهان آنان مانند گناه بقیه مردم نیست. به همین دلیل توبه آنان از توبه بقیه مردم متفاوت است.

گناهان پیامبران و اوصیای الهی به معنای ترك اولی، ترك حالت دائم الذکر بودن و محرومیت از اجر و پاداش فراوان به دلیل سرگرم بودن به امور مباح است.

آنان با قرب الهی و ذکر او، انس می گیرند. تفکر در جلالت و عظمت خداوند، با آنان همیشه همراه است. بنابراین، وقتی سرگرم خوردن، آشامیدن و دیگر امور مباح می شوند، به دلیل همین اعمال خود، استغفار می کنند و از آن توبه می کنند. زیرا آن را گناه می دانند.

آن چه آوردیم خلاصه ای از مطالب بیان شده شیخ اربلی رحمه الله بود.^{۱۲۱}

البته این مطلب در برخی کتاب های اهل سنت نیز ذکر شده است.^{۱۲۲}

دلیل دیگر درباره گناهان پیامبران و اوصیای الهی این است که باید توبه انبیا و اوصیای الهی و استغفار آنان را بر تواضع و عبودیت آنان در برابر خداوند سبحان حمل نماییم. یا این که باید گفت: آنان از زبان امت و دوستداران خویش به درگاه خداوند توبه می کنند.

دلیل این که توبه آنان را به این معانی تفسیر می کنیم این است که عصمت و طهارت آنان ثابت شده است و از سوی دیگر، آنان بندگان مخلص خداوند هستند که شیطان هیچ تسلّطی بر آنان ندارد. به همین دلیل فریب دادن آن ها برای شیطان امکان ندارد... .

آنان طبق اتفاق نظر شیعه، از همه گناهان — چه کوچک و چه بزرگ — معصوم هستند. آنان پیش از رسیدن به مقام نبوت و امامت و پس از رسیدن به این مقام در همه افعال و حالت هایشان، معصوم هستند.^{۱۲۳}

۱۲۰. سوره نور، آیه ۳۱.

۱۲۱. كشف الغمة فی معرفة الأئمة: ۲ / ۷۸۰،

۱۲۲. ر.ك: تفسیر النسفی: ۴ / ۱۱۶.

۱۲۳. ر.ك: تنزیه الأنبياء: ۱۵ و ۲۳، الإقتصاد: ۱۶۶، بحار الانوار: ۱۱ / ۷۲ و ۲۴ / ۳۴.

وَجُوبِ عَمَلٍ بَعْدَ التَّوْبَةِ

پس از توبه برای از بین بردن آثار انباشته شده گناهان از قلب و آثار گناهان از نفس، باید به انجام عمل صالح نیز اقدام نمود. زیرا بی تردید گناهان برای دل و نفس انسان تاریکی می آورند. به همین دلیل است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرماید:

اتَّبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا؛^{۱۲۴}

پس از انجام گناه، نیکی و حسنه انجام بده تا آن گناه را از بین ببرد.
روایتی دیگر نیز که پیش تر به طور کامل گذشت، گویای همین موضوع است. در آن روایت امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود:

يَا مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ! ذُنُوبُ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَابَ مِنْهَا

مَغْفُورَةٌ لَهُ، فَلْيَعْمَلِ الْمُؤْمِنُ لِمَا يَسْتَأْنِفُ مِنَ التَّوْبَةِ

وَالْمَغْفِرَةَ...^{۱۲۵}

ای محمد بن مسلم! تا وقتی مؤمن از گناهان خویش توبه کند، آمرزیده شده است و بعد از توبه و مغفرت باید عمل آغاز کند... .

هم چنین آن حضرت می فرماید:

مَا أَحْسَنَ الْحَسَنَاتِ بَعْدَ السَّيِّئَاتِ، وَمَا أَقْبَحَ السَّيِّئَاتِ بَعْدَ الْحَسَنَاتِ؛^{۱۲۶}

انجام کار شایسته پس از گناه، چه نیکوست! انجام سیئه پس از انجام نیکی، چه زشت است!

افزون بر لزوم کار و انجام عمل درست، گناه کار پس از توبه باید اشک فراوان بریزد و حزن و اندوه خویش را طولانی کند و خوراک خود را کمتر نماید... .

توبه و چند پرسش

در پایان این بحث، مروری دوباره بر پرسش هایی داریم که در کتاب های طولانی، در بخش توبه مطرح شده است.

۱. آیا توبه از برخی گناهان و توبه نکردن درباره برخی گناهان درست است یا نه؟

۱۲۴ . التَّحْفَةُ السَّنِّيَّةُ: ۲۸، بحار الانوار: ۳۹۳/۶۲، حدیث ۶۳، تفسیر جوامع الجامع: ۲/۲۶۰، تفسیر اصفی: ۱ / ۶۳۰. در تفسیر القمی: ۱ / ۳۶۴ این عبارت آمده:

... فَإِذَا عَمِلَتْ مِئْتَةً فَاتَّبَعَهَا بِحَسَنَةٍ تَمَحُّهَا سَرِيعًا؛

وقتی گناهی انجام دادی، به دنبال آن ثوابی انجام بده تا آثار آن گناه را به طور سریع محو کند.

۱۲۵ . ر.ک: ص ۴۷ و ۴۸ از همین کتاب.

۱۲۶ . الکافی: ۲ / ۴۵۸ حدیث ۱۸، وسائل الشیعة: ۱۶ / ۱۰۴ حدیث ۴، بحار الانوار: ۶۸ / ۲۴۲ حدیث ۱.

گروهی دیدگاه اول و گروهی دیگر دیدگاه دوم را پذیرفته اند.

۲. آیا واجب است که انسان گناهانش را به طور مفصل بیان کند یا نه؟

عبدالجبار معتزلی دیدگاه اول را دارد... اما محقق طوسی رحمه الله به او اشکال وارد کرده است.

۳. آیا توبه های مجدد واجب است یا نه؟

در این باره نیز برخی دیدگاه اول و برخی دیگر دیدگاه دوم را دارند. محقق طوسی رحمه الله در

«المسأله» هیچ دیدگاهی را در این باره نمی پذیرند؛ بلکه توقف می نمایند.

۴. باب توبه باز است. اما به هنگام دیدن مرگ، به اجماع و اتفاق نظر همه، این توبه پذیرفته

نیست. هم چنان که قرآن نیز به صراحت این موضوع را بیان کرده است.^{۱۲۷}

اختلاف دیگری که در مورد توبه طرح شده این که آیا در هنگام ظهور علائم قیامت، توبه صحیح

است یا نه؟

ما پیش از این یادآور شدیم که توبه يك واجب فوری است و تأخیر در آن نیز گناه دیگری است

که باید از آن توبه کرد.

۵. بیشتر فقیهان شیعه به مستحب بودن غسل توبه، پس از توبه، تصریح کرده اند.

شیخ بهایی رحمه الله این عبارت را افزوده که به همراه غسل، نماز توبه نیز خوانده شود. او

می نویسد:

البته بر کسی پوشیده نماند همان گونه که در این جا از غسل توبه سخن به میان آمده، باید از نماز

توبه نیز سخن به میان می آمد. اما بیشتر فقیهان فقط به غسل توبه پرداخته اند.^{۱۲۸}

۱۲۷. خدای کریم در آیه ای می فرماید:

(وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا

أَلِيمًا) برای کسانی که کارهای بد را انجام می دهند، و هنگامی که مرگ یکی از آن ها فرا می رسد می گوید: «همینک توبه

کردم!» توبه نیست؛ و نه برای کسانی که در حال کفر از دنیا می روند؛ این ها کسانی هستند که عذاب دردناکی برایشان

فراهم کرده ایم. (سوره نساء، آیه ۱۸).

۱۲۸. الأربعین: ۲۲۹.

كتاب نامه

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغه: سيد رضى، تحقيق: شيخ محمد عبده، دار الذخائر، قم، چاپ يكم، سال ١٤١٢.
- الف
٣. الإقتصاد: محمد بن حسن طوسى (شيخ طوسى)، مكتبه چهل ستون، تهران، سال ١٤٠٠.
٤. الأمالى: محمد بن حسن طوسى (شيخ طوسى)، تحقيق مؤسسه بعثت، نشر دار الثقافه، قم، چاپ يكم، سال ١٤١٤.
٥. الأمالى: محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى معروف به شيخ صدوق، تحقيق: قسم الدراسات الإسلاميه مؤسسه البعثة، مؤسسه البعثة، قم، بى تا.
٦. الأربعين: بهاءالدين محمد بن حسين بن عبدالصمد حارثى عاملى، معروف به شيخ بهائى.
٧. الأنوار النعمانيه: سيد نعمت الله بن عبدالله بن محمد بن حسين بن احمد بن محمود موسوى جزائرى، مؤسسه اعلمى، بيروت، چاپ چهارم، سال ١٤٠٤.
٨. أوائل المقالات: ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عكبرى بغدادى، ملقب به شيخ مفيد، تحقيق شيخ ابراهيم انصارى، دار المفيد، بيروت، چاپ دوم، سال ١٤١٤.
- ب
٩. بحار الانوار: محمد باقر مجلسى (علامه مجلسى)، مؤسسه وفا، بيروت، چاپ دوم، سال ١٤٠٣.
- ت
١٠. تاج العروس من جواهر القاموس: محب الدين محمد مرتضى زبيدى حنفى، تحقيق: على شيرى، دار الفكر، بيروت، سال ١٤١٤.
١١. تحف العقول: حسن بن على بن حسين بن شعبه حرانى، تحقيق: على اكبر غفارى، مؤسسه نشر اسلامى، قم، چاپ دوم، سال ١٤٠٤.
١٢. التحفه السنيه: سيد عبدالله بن نورالدين بن نعمت الله موسوى جزائرى.
١٣. تفسير الأصفى: مولا محسن فيض كاشانى، مكتب اعلام اسلامى، قم، چاپ يكم، سال ١٤١٨.

۱۴. **تفسیر جوامع الجامع**: امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، تحقیق و نشر مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.
۱۵. **تفسیر التبیان (التبیان فی تفسیر القرآن)**: ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۰۹.
۱۶. **تفسیر العیاشی**: محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی معروف به عیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، مکتبه علمیه اسلامیة، تهران، بی تا.
۱۷. **تفسیر کنز الدقائق**: میرزا محمد مشهدی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، سال ۱۴۰۷.
۱۸. **تفسیر القمی**: ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی، مؤسسه دارالکتاب، قم، سال ۱۴۰۴.
۱۹. **تفسیر مجمع البیان**: امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، تحقیق: گروهی از محققین، مؤسسه الأعلمی، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م.
۲۰. **تفسیر المیزان**: سید محمدحسین طباطبائی، جامعه مدرسین، حوزه علمیه قم.
۲۱. **تفسیر النسفی**: ابوالبرکات عبدالله بن احمد بن محمود نسفی.
۲۲. **تفسیر نور الثقلین**: عبدالعلی بن جمعه عروسی حویزی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم، سال ۱۴۱۲.
۲۳. **تنزیه الانبیاء**: ابی القاسم علی بن حسین موسوی، معروف به شریف مرتضی، دارالأضواء، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۰۹.

ث

۲۴. **ثواب الاعمال**: ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، منشورات رضی، قم، سال ۱۳۶۸ ش.

ج

۲۵. **جامع السعادات**: مولا محمد مهدی نراقی، تحقیق سید محمد کلانتر، دار النعمان، نجف اشرف.
۲۶. **جواهر الفقه**: عبدالعزیز قاضی ابن براج، تحقیق ابراهیم بهادری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.
۲۷. **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**: محمد بن حسن بن باقر نجفی، تحقیق شیخ عباس قوچانی، دارالکتب اسلامیة، تهران، چاپ دوم، سال ۱۳۶۵ ش.

ح

۲۸. **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**: شیخ یوسف بحرانی، مؤسسه نشر اسلامی، قم.

خ

۲۹. **الخصال:** محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، قم، سال ۱۴۰۳.

د

۳۰. **الدعوات:** ابی الحسین سعید بن هبة الله، مشهور به قطب الدین راوندی، تحقیق مؤسسه الامام المهدي عليه السلام، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۰۷.

ذ

۳۱. **نخيرة المعاد في شرح الإرشاد:** ملا محمد باقر سبزواری، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.

ر

۳۲. **روضه الواعظین:** محمد بن فتال نیشابوری، منشورات رضی، قم.
۳۳. **رياض السالکین في شرح صحیفة سيد الساجدين صلوات الله عليه:** سيد علی خان حسینی حسنی مدنی شیرازی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ چهارم، سال ۱۴۱۵.

ش

۳۴. **شرح اصول الكافي:** مولا محمد صالح مازندرانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۲۱.

۳۵. **شرح نهج البلاغه:** ابن ابی الحدید معتزلی، دار احیاء الکتب العربیة، چاپ یکم.

ع

۳۶. **عیون اخبار الرضا** علیه السلام: محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق، مؤسسه الأعلمی، بیروت، سال ۱۴۰۴.

۳۷. **عدّة الداعي:** احمد بن فهد حلی، کتابفروشی وجدانی، قم.

ف

۳۸. **فیض القدير في شرح الجامع الصغير:** عبدالرؤوف مناوی، دار الکتب علمیة، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ک

۳۹. **الكافي:** محمد بن یعقوب کلینی، دار الکتب اسلامیة، چاپ پنجم، سال ۱۳۶۳ ش.

۴۰. **کفایة الأحکام:** مولا محمد باقر سبزواری، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۲۳.

۴۱. **کتاب العین:** ابی عبدالرحمان خلیل بن احمد فراهیدی، تحقیق دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرای، مؤسسه دار الهجرة، ایران، چاپ دوم، سال ۱۴۰۹.

۴۲. **کشف الریبة في أحكام الغیبة:** زین الدین بن علی بن احمد جبعی عاملی معروف به شهید ثانی، چاپ شده در ضمن رسائل شهید ثانی رحمه الله، انتشارات بصیرتی، قم.

٤٣ . *كشف الغمّة في معرفة الأئمة*: ابي الحسن على بن ابي الفتح اربلى، دار الاضواء، بيروت، لبنان، چاپ دوم، سال ١٤٠٥.

٤٤ . *كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد*: حسن بن يوسف بن مطهر (علامه حلى)، تحقيق: سيد ابراهيم موسوى زنجانى، انتشارات شكورى، قم، چاپ چهارم، سال ١٣٧٣ ش.

ل

٤٥ . *لسان العرب*: محمد بن مكرم بن منظور مصرى، نشر ادب الحوزه، سال ١٤٠٥.

م

٤٦ . *مجمع البحرين*: شيخ فخرالدين طريحي، مؤسسه نشر فرهنگ اسلامى، قم، چاپ دوم، سال ١٤٠٨.

٤٧ . *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*: حافظ نورالدين على بن ابي بكر هيثمى، دارالفكر، بيروت، لبنان، سال ١٤١٢.

٤٨ . *المحجة البيضاء في تهذيب الأحياء*: محمد بن مرتضى معروف به مولا محسن فيض كاشانى، مؤسسه نشر اسلامى، قم، چاپ سوم، سال ١٤١٥.

٤٩ . *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*: ميرزا حسين نورى طبرسى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ يكم، سال ١٤٠٨.

٥٠ . *مسند احمد*: احمد بن حنبل شيبانى، دار صادر، بيروت، بى تا.

٥١ . *معانى الأخبار*: محمد بن على بن حسين بن بابويه قمى معروف به شيخ صدوق، تحقيق على اكبر غفارى، مؤسسه نشر اسلامى وابسته به جامعه مدرسین، قم، سال ١٣٧٩ ش.

٥٢ . *المعجم الكبير*: سليمان بن احمد بن ايوب لخمى طبرانى، دار احياء التراث، چاپ دوم، سال ١٤٠٤.

٥٣ . *المفردات في غريب القرآن*: حسين بن محمد، معروف به راغب اصفهانى، دفتر نشر الكتاب، سال ١٤٠٤.

٥٤ . *من لا يحضره الفقيه*: محمد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه قمى، معروف به شيخ صدوق، تحقيق: على اكبر غفارى، مؤسسه نشر اسلامى، قم، چاپ دوم.

ن

٥٥ . *النافع يوم الحشر في شرح الباب الحادى عشر*: فاضل مقداد سيورى حلى، دار الاضواء، بيروت، چاپ دوم، سال ١٤١٧.

و

٥٦ . وسائل الشريعة: محمد بن حسن حرّ عاملي، تحقيق و نشر مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ
يكم، سال ١٤١٢.

(۴۷)

Beliefs from the Hereafter(۳)

۱. *Repentance and Returning to Allah*

Ayatollah Seyed Ali Hosseini Milani